

همشهری کین

اورسون ولز، هرمان جی. منکی ویچ |
Orson Welles
Herman J. Mankiewicz

مترجم
موحد تاری مرادی

ویراستار و سرپرست مجموعه
شیوامقانو

پیش درآمد

فید این

خارجی. زانادو^۱-سپیده دم-۱۹۴۰ (ماکت)

پنجره‌ای کوچک در دوردست روشن است. اطراف پنجره همه چیز کاملاً تاریک است. همزمان با نزدیک شدن دوربین به این پنجره که مثل تمبر پستی کوچکی در قاب نشسته، شکل‌های دیگری کم‌کم در قاب ظاهر می‌شوند: سیم‌های خاردار، حصار زنجیردار و بالاخره یک سطح مشبک و عظیم آهنی بر په‌نه‌ی آسمان صبحگاهی. دوربین روی این سطح بالا می‌رود تا معلوم می‌شود این، دروازه‌ی یک بنای غول‌پیکر است. دوربین بالای دروازه می‌ایستد؛ جایی که یک حرف K بزرگ در تقابل با روشنی آسمان در حال طلوع، هرچه تیره‌تر دیده می‌شود. از میان و پشت این دروازه، قصر افسانه‌ای «زانادو» را می‌بینیم؛ قلعه‌ای بزرگ که همچون قلعه‌ای در نمایی ضدنور قرار گرفته و پنجره‌ی کوچکش همچون نشانه‌ای دوردست، میان تاریکی می‌درخشد.

1. Xanadu

بر گرفته از نام زانادو، پایتخت تابستانی قوبلای خان (Kubla Kahn)، شاه مغول.

دیزالو

مجموعه‌ای نما که به ترتیب به پنجره نزدیک‌تر می‌شوند و هر یک چیزی از قلمروی حقیقتا شگفت‌انگیز چارلز فاستر کین^۱ می‌گویند. جناح راست قصر تا حدود چهل مایل تا گولف کاست^۲ گسترده شده و در هر جهت تا جایی که چشم کار می‌کند، ادامه دارد. زمینی که به قانون طبیعت ابتدا هموار و برهنه بوده - عمدتاً تالاب‌هایی که کین آن‌ها را تصاحب کرده و چهره‌های‌شان را تغییر داده و در ادامه هم تالاب خواهند شد - اکنون به شکل دلپذیری پست و بلند است؛ با سهمی متناسب از تپه‌های هموار و کوهستانی خوش‌نقش که همگی ساخته‌ی دست انسانند. به تمام منطقه حسابی رسیدگی شده؛ شاید به خاطر پرورش گیاهان کشاورزی در این چشم‌انداز عالی سرشار از پارک‌ها و دریاچه‌ها. قلعه بر جایش استوار است؛ حجمی عظیم، مرکب از چند قصر باشکوه با اصالتی اروپایی و معماری متنوع که از دروازه تا قلعه‌اش، کل صحنه را تصرف کرده است.

دیزالو

زمین گلف (ماکت)

پشت نمایی که دیدیم، سبزه‌ها بی‌نظم و ترتیب دراز شده‌اند. راه‌های عبور با علف‌های گرمسیری پوشانده شده و تپه‌های گلف مدت‌هاست که بلااستفاده و متروک رها شده‌اند.

دیزالو اوت

دیزالو این

جایی که زمانی یک باغ‌وحش بزرگ بوده است (ماکت)

باغ‌وحشی که مطابق الگوی هاگن‌بک^۳ ساخته شده بوده، اما حالا تنها چیزی که از آن باقی مانده - جز یک استثنا - محفظه‌هایی جدا، محصور

1. Charles Foster Kane
2. Gulf Coast
3. Hagenbeck

حیوان فروش آلمانی که حیوانات وحشی را به باغ‌وحش‌ها می‌فروخت.

میان یک خندق است؛ خندقی که قرار بوده حیوانات در آن‌ها نگهداری شوند، آزادانه بچرخند و در عین حال از خطر حمله‌ی یکدیگر و سایر خطرات محیطی در امان باشند. تابلوهای متعددی نشان می‌دهد که زمانی این جا ببر، شیر و زرافه نگهداری می‌شده است.

دیزالو

قفس میمون‌ها (ماکت)

در پیش‌زمینه، پیکر میمونی زشت و بزرگ در تاریک-روشن سپیده‌دم ظاهر می‌شود، به آرامی و فکورانه خود را می‌خاراند و به املاک چارلز فاستر کین نگاه می‌کند؛ به نوری که از دور دست و قلعه روی تپه می‌تابد.

دیزالو

گودال تمساح‌ها (ماکت)

توده‌ی عظیم و درهم پیچیده از این اژدهایان خواب‌آلود و احمق. نور پنجره‌ی روشن قصر در آب گل‌آلود منعکس شده است.

تالاب

قایقی به گل نشسته. یک روزنامه‌ی قدیمی بر سطح آب شناور است؛ یک نسخه از روزنامه‌ی نیویورک اینکوایرر^۱. در حین حرکت روزنامه از این سو به آن سوی کادر و در بازتاب، نور پنجره‌ی قصر هویدا تر می‌شود. بازتاب اینک نزدیک‌تر از قبل است.

استخر شنای بزرگ (ماکت)

استخر خالی است. باد، روزنامه‌ای را روی کف خالی و ترک خورده‌ی استخر جابه‌جا می‌کند.

1. New York Enquirer

اینکوایرر: چارلز فاستر کین صاحب این روزنامه بود.